با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

دودی کردن شیشه خودروها مشمول جریمه سنگین شود

به‌رغم اینکه دودی کردن شیشه خودروها به لحاظ قانونی خلاف اســت برخی از رانندگان به این کار اقدام می‌کنند. جدای از مســائل امنیتی، این موضوع می‌تواند برای خود راننده نیز خطرساز باشــد. چند روز پیش از جاده شمال به تهران در حال حرکت بودم و لاین مقابل من پر از سنگ بود. خواستم تا راننده خودرو مقابل را قبل از رسیدن به سنگ‌ها مطلع کنم ولی به‌دلیل اینکه شیشه‌هایش دودی بود قادر به این کار نبودم. درصورتی که اگر شیشه‌ها معمولی بود از فاصله دور هم می‌شد راننده را خبردار کرد و جلوی خسارت و یا خدای ناکرده فاجعه را گرفت.

توکلی از تهران

خرید دلار از طریق حساب ارزی به ضرر خریداران است

متقاضیان خرید ۲ هزار دلار با کارت ملی ابتدا باید در شعب ارزی یکی از بانک‌ها، حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز ارزی افتتاح کنند. ۵ روز پس از افتتاح حســاب امکان برداشت اسکناس از حساب وجود دارد که جای سؤال است که چرا ۵روز باید حساب دلاری مســدود بماند. جدای آن حساب ارزی اجبارا بایــد تا ۶ماه باز بماند و معــادل ۱۰۰ دلار نیز ته حســاب بماند که با توجه به تفاوت نــرخ ارز و ریال رقم قابل توجهی اســت. جدای اینها کارمزد برداشت به‌صورت اسکناس از حســاب ارزی به‌میزان ۵ درصد معادل ریالی مقدار برداشت اســت که این هم رقم قابل توجهی است. با این حساب نه‌تنها متقاضیان اقدام به خرید دلار و ارز به این روش نخواهند کرد بلکه روش‌های قاچاق ارز و دلار پررونق‌تر خواهد شد. اگر هدف شناسایی خریداران ارز و دلار و کسب مالیات و... است که نباید این همه داستان باشد.

حبیبی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

معتادان متجاهر، ناصرخســرو و محله‌های اطراف را ناامن کرده اند

در پی اقدام قابل تقدیر پلیس و نیروی انتظامی در پاکسازی محله‌های هرندی و شــوش از معتادان متجاهر، این افراد به محله ناصرخســرو و محله‌های اطراف هجوم آورده‌اند و موجب ناامنی و نگرانی خانواده‌ها شده‌اند.از نیروی انتظامی منطقه درخواست داریم تا با راهکاری جدی امنیت را به این محله‌ها برگردانند.

بلخ از تهران

بیکاری در سبزوار نگران‌کننده است

متأســفانه نرخ بیکاری در شهر ســبزوار بالا رفته و تعداد زیادی از جوانان این شــهر بدون شغل هســتند وهمین موضوع ناامیدی و نگرانی زیادی را در میان این قشر به‌وجود آورده است. بسیاری از جوانان یا به شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و یــا به مشــاغل کاذب روی آورده‌اند درحالی که این شهر پتانســیل زیادی برای راه‌اندازی مشاغلی مانند دامــداری و کشــاورزی دارد و درصــورت حمایت مالی مسئولان به سادگی می‌توان معضل بیکاری را حل کرد.

باجلان از سبزوار

متروی پردیس بــه تهران و بالعکس هــر چه زودتر راه‌اندازی شود

هر روز تعداد زیادی مســافر مخصوصا افــرادی که محل زندگی‌شان پردیس و محل کارشان تهران است در مسیر تهران -پردیس و بالعکس تــردد می‌کنند.راه‌اندازی مترو در این مسیر بار ترافیکی آن را به‌شدت کاهش می‌دهد.از طرفی به نفع وقت و هزینه مسافران نیز هست.اگر شهرهایی مانند پردیس که در اطراف پایتخت هستند به مترو مجهز شوند در درازمدت افراد بیشتری از تهران خارج می‌شوند وهمین موضوع موجب حل بسیاری از مشکلات پایتخت خواهد شد.

خوب‌بخت از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

ارائه عکس گذرنامه را به متقاضیان بسپارند

معلوم نیســت چرا این قانون گذاشــته شــده کــه افراد می‌بایســت هنگام درخواســت گذرنامه یا تعویض آن در مراکز پلیس+۱۰عکس بگیرند؟ تقریبا هیچ‌کسی از کیفیت عکس‌هایی که در این مراکز گرفته می‌شود، راضی نیست. درحالی که متقاضیان می‌توانند با رعایت ضوابط و شرایطی که بــرای عکس‌هــای گذرنامــه تعیین و تصویب شــده، عکس‌های مطلوب و با کیفیتی را در هر عکاسی وآتلیه‌ای که مدنظرشان است تهیه کنند و به مسئولان صدور گذرنامه ارائه دهند. آیا این درست است که چهره افراد در بدترین حالت ممکن ثبت شده و به‌عنوان عکس گذرنامه استفاده شود؟

سیامک از تهران

حمایت‌های بیمه‌ای از تالاسمی‌ها افزایش یابد

حمایت بیمه‌ای از دارو و درمان بیماران تالاسمی‌ها بسیار کم شده و امروزه هر بیمار تالاسمی با دریافت خدمات بیمه‌ای برای درمان روتین و نه درمــان خاص مجبور به هزینه کرد ماهانه ۵تا ۹میلیون تومان اســت که عمده علت این ارقام کاهش حمایت‌های بیمه‌ای از این قشر مظلوم است. کدام بیمار تالاسمی اســت که بتواند به این روند ادامه دهد و چه زمانی قرار است بیمه از این قشر حمایت کافی کند.

میرزاده از اردبیل

مسیر دسترسی به بزرگراه همت غرب از بزرگراه مدرس ایجاد شود

ترافیک سنگین و دائمی در مسیر بزرگراه مدرس به سمت همت غرب بسیار آزاردهنده شده است و روزانه ساعت‌ها از وقت مردم در این ترافیک هــدر می‌رود. طرحی برای ایجاد یک دسترسی ویژه از بزرگراه مدرس به همت غرب اجرایی شود که این مشکل را حل کند.

طالبی از تهران

زندگی مخفیانه عاملان قتل آقای دکتر پس از گذشت ۴ماه با دستگیری آنها پایان یافت

کلاه قاچاقچی انسان بر سر قاتلان فراری

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

قاتلان استاد دانشــگاه دو بار قصد فرار به ترکیه را داشتند اما هر بار اتفاقی رخ داد که مانعشان شــد. یک بار زلزله شدید ترکیه مانع فرار آنها به این کشور شد و بار دیگر فریب ۳۰۰میلیون تومانی قاچاقچی انسان را خوردند.

به گزارش همشهری،این پرونده جنایی بیست و هفتم آذر سال گذشته به جریان افتاد؛ روزی که مردی میانسال قدم در اداره پلیس گذاشت و گفت پسرش به طرز مشکوکی ناپدید شده است. وی توضیح داد: پسرم استاد دانشگاه است. او چند سال قبل با دختری به نام مونا عقد کرد اما ما مخالف این ازدواج بودیم؛ به همین دلیل پسرم هنوز زندگی مشترکش را شروع نکرده بود. او آخرین بار در حالی که به شدت عصبانی بود خانه را ترک کرد و دیگر بازنگشت. من و مادرش بارها به موبایل او زنگ زدیم اما جوابی نداد. حتی با موبایل مونا هم تماس گرفتیم اما خاموش بود و این مسئله نگرانی ما را بیشتر کرده است.

شروع تحقیقات

با اظهارات این مرد، تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس دادسرای جنایی، تحقیقات برای یافتن ردی از زوج گمشــده را آغاز کردند. هیچ ردی از این زوج وجود نداشت تا اینکه اواخر دی‌ماه سال گذشته دختری جوان راهی اداره آگاهی تهران شد و اسرار ناپدید شدن آقای دکتر و همسرش را فاش کرد.

من شاهد یک جنایت بودم

دختر جوان درحالی که وحشت‌زده بود و دست و پایش می‌لرزید، گفت: من شاهد قتل استاد دانشگاه بودم. حالا هم آمده‌ام راز قتل را فاش کنم تا شاید به آرامش برسم.

وی ادامه داد: پاتوق من کافه‌ای در یکی از مناطق تهران است. در جریان رفت و آمد به کافه با زنی به نام مونا (همسر مقتول) آشنا شدم. خیلی زود تبدیل به دوســتان صمیمی شــدیم. آن‌طور که مونا می‌گفت، شوهرش وضع مالی خیلی خوبی داشت. هرچه دوستی‌ام با مونا بیشتر شد، کم‌کم به اسرار زندگی او پی بردم.

دختر جوان گفت: در جریان رفت و آمد به خانه مونا متوجه شدم که او با شوهرش اختلافاتی دارد تا اینکه یک روز برایم تعریف کرد که قصد دارد از او جدا شــود اما وی طلاقش نمی‌دهد. مونا به تازگی با یکی از پسرهایی که به کافه رفت و آمد داشت صمیمی شده بود. نام او مهران بود و مونا سفره دلش را برای مهران باز کرده و از مشکلات زندگی‌اش برای او گفته و همین باعث شده بود رابطه آنها به شدت صمیمی شود.

شاهد ماجرا ادامه داد: یک شب مونا به خانه من آمده بود و چند ساعت بعد، مهران هم در حالی که هراسان و وحشت‌زده بود نزد ما آمد و گفت که آقای دکتر را به قتل رسانده و جسدش را داخل ماشینش گذاشته است. حسابی وحشت کرده بودم. آن شب همگی به سمت روستایی واقع در دماوند رفتیم؛ مونا و مهران جسد آقای دکتر را در بیابان آتش زدند و بعد مرا به خانه رساندند و آنطور که از حرف‌های مونا شنیدم، تصمیم گرفته بودند از کشور فرار کنند. آن شب آنها رفتند و من ماندم با عذاب وجدانی که لحظه‌ای رهایم نمی‌کرد. دیگر از مونا و مهران خبری نداشتم تا اینکه بعد از گذشت ۱۰روز تصمیم گرفتم این راز هولناک را فاش کنم تا از کابوس‌هایی که می‌دیدم خلاص شوم.

ماموران با شنیدن حرف‌های دختر جوان به استعلام از پلیس دماوند پرداختند که مشــخص شد جســد ســوخته آقای دکتر در یکی از روستاهای واقع در دماوند توسط چوپانی کشف شده اما چون هویت او معلوم نبود، به پزشکی قانونی منتقل شده است.

پایان ۴ ماه فرار

تیم جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری مونا و مهران آغاز کرد تا اینکه مخفیگاه آنها در شهرستان اسلامشهر به دست آمد. زن و مرد جوان در خانه‌ای زندگی پنهانی خود را در پیش گرفته بودند که در یک عملیات ضربتی دستگیر شدند و فرار ۴ماهه آنها پایان یافت.

مونا و مهران به اداره آگاهی تهران منتقل شدند و اسرار جنایت را فاش کردند. مهران گفت: من قصد کشتن آقای دکتر را نداشتم. روز حادثه با او قرار گذاشــتم تا با او صحبت کنم. آنطور که مونا می‌گفت، آقای دکتر طلاقش نمی‌داد و خانواده‌اش هم مخالف ازدواجشان بودند. مونا تصمیم گرفته بود تا از زندگی آقای دکتر بیــرون برود اما آقای دکتر راضی به جدایی نمی‌شد. آن روز سوار ماشین سوزوکی آقای دکتر شدم و به حوالی آجودانیه رفتیم. در آنجا جر و بحثمان شد و من ناخواسته جان آقای دکتر را گرفتم. متهم اعتراف کرد که با همدســتی مونا زن موردعلاقه‌اش، جسد آقای دکتر را به آتش کشیده و بعد تصمیم به فرار گرفتند اما در نهایت دستگیر شدند.

گفت‌وگو

ناکامی در فرار از کشور

مونا لیسانس هنر دارد و ۳۰ ساله است. او می‌گوید که هرگز نقشه قتل شوهرش را نکشیده وهمه چیز اتفاقی بوده است. گفت‌وگو با او را می‌خوانید.

با همسرت اختلاف داشتی؟

این اواخر خیلی بگومگو می‌کردیم. چون تکلیفم را مشخص نمی‌کرد. ۶ سال بود که عقد کرده بودیم و خانواده‌اش مدام چوب لای چرخ‌مان می‌گذاشتند. اوحاضر نمی‌شد تصمیم درستی بگیرد. بر سر این موضوع بود که مدام با هم درگیر می‌شدیم.

چرا خانواده‌اش مخالف ازدواج شــما بودند؟

نمی‌دانم. تا جایی که شنیدم مدام در گوش سامیار می‌خواندند که من در حد و اندازه پسرشان نیستم. می‌گفتند مشکل اخلاقی و فرهنگی دارم. به همه چیز ایراد می‌گرفتند. می‌گفتند او مدرک دکترا دارد اما من لیسانس. خلاصه بگویم از من خوششان نمی‌آمد به همین دلیل دوران عقد و نامزدی ما ۶ سال طول کشید. برای همین می‌خواستم طلاق بگیرم.

و تو هم نقشه قتل کشیدی؟

باور کنید من نقشه قتل نکشیدم. اصلا قصد من و مهران کشتن سامیار نبود.

با مهران چطور آشنا شدی؟

کافه‌ای در شمال تهران پاتوق من و دوستم سارا بود. همان دختری که شاهد جنایت و از اسرار قتل با خبر بود. من و سارا می‌رفتیم کافه و مافیا بازی می‌کردیم. مهران هم در آن کافه کار می‌کرد و او هم به جمع ما پیوسته بود. کم‌کم رابطه من با مهران صمیمی‌تر شــد تا اینکه یک روز برایش تعریف کردم که قصد جدایی از شــوهرم را دارم اما او طلاقم نمی‌دهد. زمانی که من با مهران آشنا شدم تصمیمم برای جدایی جدی شده بود. تا اینکه شوهرم متوجه ارتباط من و مهران شد و همین موضوع به بحث و جدل میان ما منجر شد. پس از آن شوهرم تصمیم گرفت با مهران صحبت کند و با هم قرار ملاقات گذاشتند و آن اتفاق افتاد.

چه اتفاقی؟

آن روز من رفته بودم پیش ســارا. دوستم سارا همان دختری که ما را لو داد و از اسرار ما با خبر بود، ویلایی در حوالی دماوند دارد که من گاهی پیش او می‌رفتم. آن روز هم چون ترسیده بودم رفتم پیش سارا. شوهرم و مهران هم با هم قرار صحبت گذاشته بودند و منتظر بودم ببینم نتیجه چه می‌شود. سرانجام بعد از چند ساعت مهران پیش ما آمد. خیلی وحشت زده بود و دستانش می‌لرزید. سارا فریاد کشــید چه شده است و من همان لحظه لکه هــای خون روی لباس او را دیدم و متوجه عمق فاجعه شدم. مهران می‌گفت گند بزرگی زده و شوهرم را کشته است. آن روز دعوای مهران و شوهرم در ماشین بالا گرفته و مهران با چاقو ضرباتی به شوهرم زده بود. سپس جسد را در صندلی عقب قرار داده، روی او پتویی کشیده و خودش را نزد من رسانده بود تا حقایق را بازگو کند.

بعد از آن تصمیم گرفتید که جسد را از بین ببرید؟

چاره ای جز این نداشتیم. منتظر ماندیم تا هوا تاریک شود بعد به همراه ســارا و مهران راهی بیابان‌های دماوند شدیم. البته سارا داخل ماشین نشست و پیاده نشــد چون خیلی ترسیده بود. من و مهران جسد را بیرون کشــیدیم و آن را آتش زدیم.

بعد از قتل کجا فرار کردید؟

تصمیم‌مان خروج از کشور بود اما خب اتفاقات ناخوشایندی در این مســیر برایمان افتاد. چند وقت رفتیم شمال و یک ویلا اجاره کردیم. البته طلاهای مادرم را برداشتیم و مهران هم مقداری پول پس‌انداز داشت که آن را برداشت. بعد از آن راهی یکی از شهرهای شمال غربی کشور شدیم و یک قاچاقچی انسان پیدا کردیم تا ما را از مرز رد کند. می‌خواستیم به ترکیه برویم و در آنجا فکر کنیم که مقصد اصلی ما کجا باشــد. دیگر به این قسمت فکر نکرده بودیم فقط می‌خواستیم به هر نحوی شده ایران را ترک کنیم اما خب سرمان کلاه رفت. یک نفر را پیدا کردیم و ۳۰۰ میلیون تومان به او پول دادیم. قرار شد ما را از مرز رد کند اما یک روز آمد گفت مرز بسته است و روز بعد ناپدید شد. تا چند روز دنبال او گشتیم اما نتوانستیم ردی از او به دست آوریم. باید به دنبال یک قاچاقچی دیگر می‌گشتیم تا مانند قبلی کلاهبردار نباشد اما به محض اینکه یک نفر را پیدا کردیم و در تکاپوی تهیه پول بودیم شنیدیم که در ترکیه زلزله مهیبی آمده است. راســتش این را که شنیدیم دیگر بی‌خیال رفتن به ترکیه شدیم. با خودمان گفتیم که در این فصل سرما و خراب شدن خانه‌ها، آواره می‌شویم. این شد که تصمیم گرفتیم در مملکت خودمان بمانیم.

در این مدت کجا بودی؟

شهر به شــهر می‌چرخیدیم و با مدارک جعلی خانه اجاره می‌کردیم. چند روز قبل به گمان اینکه آب‌ها از آسیاب افتاده به اسلامشهر رفتیم. در آنجا خانه‌ای اجاره کردیم و می خواســتیم یک کاسبی مانند پخت شیرینی در خانه راه بیندازیم که پلیس ما را دستگیر کرد.

آزادی پسر ۱۳ساله از دست آدم‌ربایان

داخلی

بالا گرفتن اختلافات مالی بین ۲نفر باعث شد مرد طلبکار پسر ۱۳ساله بدهکارش را ربوده و بــه گــروگان بگیــرد. هرچند آدم‌ربایان تهدید کرده بودند درصورت ورود پلیس به این ماجرا جان گروگان‌شــان به خطر می‌افتد، اما مأموران در عملیاتی ضربتی به این آدم‌ربایی پایان دادند.

به گزارش همشــهری، ایــن آدم‌ربایی روز سه‌شــنبه در شهرستان هیرمند واقع در اســتان سیستان‌وبلوچستان اتفاق افتاد. چند مرد مســلح که سوار بر یک خودرو بودند در یکی از خیابان‌های شهر جلوی پسری ۱۳ساله را گرفته و او را به‌زور با خود بردند. دقایقی بعد از این آدم‌ربایی بود که یکــی از آدم‌ربایان با پدر این نوجــوان تماس گرفت و گفت پســرش را ربوده و اگر پلیس از این ماجرا بویی ببرد جان پسر نوجوان به خطر می‌افتد. او ادعا کرد که چندین میلیون تومان طلب دارد و پسر ۱۳ســاله تا زمان وصول طلبش در اسارت او می‌ماند.

این مرد درباره طلبی صحبت می‌کــرد که از ماه‌ها قبل از پدر گروگانش داشت. آنها با یکدیگر دوست بودند و مراوده مالی داشتند اما چند ماه قبل در جریان یک معامله دچار اختلاف مالی شدند و رابطه‌شان به‌هم خورد. در این مدت او بارها تماس گرفته و پولش را خواسته بود اما وقتی این تماس‌ها و واسطه‌هایی که فرستاده بود به نتیجه‌ای نرسید، نقشه آدم‌ربایی کشید. او می‌خواست با این شیوه طلبش را وصول کند، اما خبر نداشــت که به دردسر بزرگی دچار می‌شــود. دقایق زیادی از تماس تهدیدآمیــز مرد آدم‌ربا نگذشته بود که پدر نوجوان ۱۳ساله با پلیس تماس گرفت. او همه‌چیز را بازگو و از مأموران درخواســت کمک کرد. این مرد مشــخصات آدم‌ربا را در اختیار آنان قرار داد، اما گفت که تهدید شده که نباید پای پلیس به میان کشیده شــود. با وجود این کارآگاهان پلیس با اجرای طرح مهار خروجی‌های منطقه را تحت نظر گرفتند تا از خارج شدن گروگان از آن محــدوده جلوگیری کننــد. آنها در همان بررسی‌های اولیه به سرنخ‌هایی درباره مخفیگاه مردی که در پشت پرده این آدم‌ربایی قرار داشت دست پیدا کردند. این اطلاعات حاکی از آن بود که او با همدســتی چند نفر دیگر دســت به این آدم‌ربایی زده و پسر نوجوان را به یکی از روســتاهای اطراف هیرمند منتقل کرده اســت. به این ترتیب عملیات رهایی گروگان کلیــد خورد. در حالی که حدود ۲ساعت از ربودن پسر نوجوان می‌گذشت مأموران، مخفیگاه آدم‌ربایان را به محاصــره درآوردند. چون جان گروگان در خطر بود و ممکن بود آدم‌ربایان دست به اقدام خطرناکی بزنند مأموران همه جوانــب احتیاط را درنظر گرفتند و قدم به قدم حلقه محاصره را تنگ‌تر کردند. آنها در ادامه پی بردند که فقط یکی از گروگانگیران در آنجا حضور دارد. در چنین شرایطی بود که در عملیاتی غافلگیرانه وارد آنجا شده و ضمن دســتگیری آدم‌ربا، پسر ۱۳ساله را آزاد کردند. به این ترتیب پســر نوجوان در کمتر از ۲ساعت به آغوش خانواده بازگشت.

در تعقیب آرم‌ربایان

با وجود رهایی گروگان و دســتگیری یکــی از آدم‌ربایان اما تحقیقات در این پرونده همچنان ادامه دارد. ســردار دوســتعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچســتان درباره این پرونده گفت: مأموران زبده پلیس مبارزه با جرایم جنایی با ســرعت عمل خود توانستند در کمتر از ۲ساعت مخفیگاه آدم‌ربایان را در حوالی هیرمند شناسایی کنند. آنها با انجام اقدامات اطلاعاتی و فنی، بدون درگیری وارد آنجا شــده و در عملیاتی غافلگیرانه ضمن رهایی گروگان، یکی از آدم‌ربایان را نیز دســتگیر کردند. او ادامه داد: بررســی‌های انجام شده نشــان می‌دهد که اختلافات مالی با پدر پسر ربوده شده انگیزه این آدم‌ربایی بود و با وجود دســتگیری یکی از آدم‌ربایــان، تحقیقات تکمیلی در این‌باره ادامه و دستگیری سایر افراد دخیل در این ماجرا در دستور کار قرار دارد.

شلیک ناخواسته به باجناق

مردی که به اتهام تیراندازی مرگبار به سوی باجناقش دستگیر شده در اعترافــات اولیه‌اش مدعی شــد که ناخواسته تیراندازی کرده است.

به گزارش همشــهری، روز دوشنبه به ماموران پلیس کرمانشــاه خبر رسید که جوانی ۳۶ ساله بر اثر اصابت گلوله جانش را از دست داده است. با حضور مامــوران پلیس در محل حادثه تحقیقات در ایــن باره آغاز شد و معلوم شــد که عامل شلیک مرگبار باجناق مقتول است. به این ترتیب وی که ۳۴ سال دارد ساعتی بعد دستگیر شــد، اما وقتی تحت بازجویی قرار گرفت مدعی شد که نه تنها هیــچ اختلافی با باجناقش نداشــته، بلکه قصد کمک به او را داشته که ناخواسته باعث مرگش شده است. او در این باره گفت: ساعتی قبل از این حادثه باجناقم تماس گرفت و گفت چند نفر که با او اختلاف دارند جلوی در خانه‌اش آمده‌اند و از من کمک خواست. آن طور که می‌گفت از مدتی قبل با آنها بر سر یک قطعه زمین اختلاف داشت و دچار کشمکش شده بودند. من هم با نیت دفاع از باجناقم یک اسلحه کلاشنیکف را که در خانه داشتم برداشتم و فورا به طرف خانه باجناقم به راه افتادم. متهم ادامه داد: وقتی که به آنجا رسیدم باجناقم گفت که نیازی به اسلحه نیست، اما من که از قبل آن را مسلح کرده بودم، وارد درگیری آنها شدم و در جریان کشمکشی که شکل گرفت ناخواسته گلوله‌ای شلیک شد که از قضا این گلوله به سینه مقتول برخورد کرد و باعث مرگش شد. باور کنید که همه چیز به طور اتفاقی رخ داد و من قصد کمک به باجناقم را داشتم که این حادثه اتفاق افتاد. علی کرمی، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه درباره این پرونده گفت: همکارانم در جریان تحقیقات خود موفق به کشف اسلحه کلاشنیکف، یک تیغه خشاب و چند فشنگ شدند و پس از تشــکیل پرونده‌ای در این خصوص آن را برای سیر مراحل قانونی به دستگاه قضایی فرستادند.

کوتاه از حادثه

اصل ماجرا

واقعیت‌های ماجرای روستای دانیال چه بود؟

قربانیان حادثه

«پس از آنکه اداره اوقاف به مردم روســتای دانیال اعلام کرده که خانه‌هایشــان را به‌دلیل اوقافی بودن باید تخلیه کنند، گروهی از مردم برای اعتراض وارد خیابان‌ها شدند.» این مهم‌ترین بخش از اخباری است که در روزهای گذشته رسانه‌های معاند تلاش کردند با انتشار آنها، به حادثه روستای دانیال از توابع شهرستان سلمانشهر دامن بزنند؛ حادثه‌ای که موجب تیراندازی و کشته شدن ۲نفر از اهالی روستا شد و همه ساکنان آن را عزادار کرد و رسانه‌های معاند نیز تلاش کردند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند و به نوعی مردم و دولت را در مقابل هم قرار دهند. حال آنکه بررسی‌های قضایی و پلیسی نشــان می‌دهد علت این درگیری، زمین‌هایی بوده که از ۷۰سال پیش وقف شده بود نه خانه‌های مسکونی.

رئیس کل دادگستری استان مازندران در این‌باره گفته است: این درگیری ناشــی از وضعیت وقفی زمین‌های روستای دانیال است که قدمت وقف آن به حدود ۷۰سال قبل برمی‌گردد و اداره اوقاف مدعی اســت که حدود ۹۳۰هکتار از زمین‌های روستای مذکور به‌عنوان عین موقوفه تلقی شده و باید تحت تولیت متولی خاص (موقوفه عام امامزاده دانیال) قرار گیرد.

وی ادامه داد: در این راســتا بخشــی از اراضی، به موجب احکام صادره از سوی مراجع ذی‌صلاح قضایی، توسط ضابطین از تصرف و استیلای اشــخاص بومی خارج شــد و نماینده موقوفه، برای جلوگیری از تصرف مجدد زمین‌ها، اقدام به قرار دادن کانکس و به کارگیری نگهبان خصوصی برای محافظت از زمین‌ها کرد. اما این اتفاق باعث ایجاد حساسیت در اهالی روستا شد.

رئیس کل دادگستری مازندران گفت: تصور ذهنی ساکنان روستا از این اقدام اوقاف این بود که آنها احتمالا قصد دارند این زمین‌ها را با سند اوقافی، تفکیک کرده و به افراد غیربومی بفروشند. در این شرایط افرادی ناشناس اقدام به آتش زدن کانکس‌های نگهبانی و ســایر اماکن مرتبط با موقوفه امامزاده دانیــال و ضرب و جرح نگهبانان کردند. آنهــا حتی خانه یکی از متولیــان موقوفه را هم آتش زدند و ۲نفر از اعضای تیم حفاظت از زمین‌های موردنظر را گروگان گرفتند. در این شرایط مأموران پلیس وارد عمل شدند، اما فردی از طریق بلندگوی مسجد، اهالی را به تجمع در محل استقرار کانکس‌ها دعوت کرد و به این ترتیب مــردم و مأموران حاضر در محل با یکدیگر درگیر شدند که مأموران برای جلوگیری از خلع سلاح شــدن اقدام به تیراندازی کردند و متأسفانه در این حادثه ۲نفر از اهالی روستا جان باختند و ۴نفر از مأموران از جمله فرمانده انتظامی شهرستان مجروح شدند.

بر اساس این گزارش، به‌دنبال این حادثه دردناک، چند مأمور دولتی که در این ماجرا مقصر شناخته شده‌اند، بازداشت شده و به تازگی اعضای کمیسیون امنیت مجلس شــورای اسلامی برای بررسی حادثه و شناسایی مقصران، راهی این روستا شده‌اند تا در جریان بررسی‌های دقیق و تخصصی، همه مقصران حادثه و میزان قصور آنها مشخص و حقوق مردم روستای دانیال محقق شود.

مرد کینه‌جو همسر سابقش را ربود

مردی که مدتی بعد از جدایی از همســرش با همدستی ۲ نفر از دوســتانش او را ربوده و قصد بازگرداندن به شهرش را داشت در میانه راه دستگیر و گروگان آزاد شد.

به گزارش همشــهری، این آدم‌ربایی چند روز قبل در شهرستان کلاردشت واقع در استان مازندران اتفاق افتاد و در جریان آن ۳مرد زن جوانی را به زور سوار ماشین کرده و با خود بردند. به دنبال این حادثه و با تماس نزدیکان این زن تحقیقات پلیس در این باره آغاز شد. آن طور که آنها می‌گفتند یکی از آدم‌ربایان همسر سابق زن ربوده شده بود. او اهل شهرســتان بروجرد بود و مأموران احتمال دادند پس از ربودن همسر سابقش قصد انتقال او به این شهر را دارد. به همین دلیل به تعقیب آنها پرداختند و آنها را در محور کندوان شناسایی و دستگیر کردند.

سرهنگ مصطفی اکبرنژاد، فرمانده انتظامی کلاردشت در این‌باره گفت: در این عملیات زنی که توســط همسر سابق خود و ۲نفر از دوستان وی که اهل و ساکن شهرستان بروجرد بوده‌اند، ربوده شده بود از چنگ آدم‌ربایان نجات یافت. برابر بررسی‌های به عمل آمده، وی علت این آدم‌ربایی را اختــلاف خانوادگی عنوان کرد و گفت: متهمان پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شدند.

هشدار پلیس درباره کلاهبرداری در پوشش فطریه

معاون اجتماعی فرهنگی پلیس فتا فراجا نسبت به کلاهبرداری افراد سودجو از شهروندان با ترفند دریافت فطریه هشدار داد.

به گزارش همشهری، سرهنگ رامین پاشایی در این‌باره گفت: برخی افراد سودجو با جعل آرم‌های کمیته امداد، سازمان بهزیستی کشور، جمعیت هلال احمر و ... و با ترفندهای گرافیکی، تلاش می‌کنند خود را به دروغ، نماینده آنها معرفی کنند. در ایام پیش رو نیز این افراد به بهانه دریافت زکات فطریه و کفاره، مترصد کلاهبرداری و برداشت‌های مالی غیرمجاز از حساب‌های بانکی شهروندان هستند.

وی با اشاره به اینکه کلاهبرداران در این تبلیغات دروغین با معرفی و نشان دادن تصاویر مناطق محروم تلاش می‌کنند اعتماد عمومی را جلب کرده و کمک مردمی دریافت کنند، اظهار کرد: کارگروه ویژه تخصصی پلیس فتا، نظارت دقیقی در این خصوص اعمال می‌کند. در همین راستا نیز پلیس فتا تاکنون با چندین تارنمای مجرمانه برخورد کرده و تشکیل پرونده قضایی برای تعدادی کلاهبردار در این حوزه را در دستور کار خود قرار داده است.

معاون اجتماعی فرهنگی پلیس فتا فراجا از مردم خواست تا نسبت به این ترفندها آگاه باشــند و زکات فطریه و کفاره خود را فقط از طریق مراجع موثق و مورد اطمینان به‌دست نیازمندان برسانند.